

بررسی رابطه تغییر هم‌زمان مدیریت ارشد و مدیریت سود:

سال پایانی حضور مدیران ارشد

مهدی مرادی *

سید احسان حسینی **

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۲/۱۵

چکیده:

یکی از مواقع برانگیختگی انگیزه‌های مدیریت سود، بازه زمانی تغییر مدیریت ارشد شرکت‌هاست. در این پژوهش با مطالعه نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ به بررسی مدیریت سود در سال آخر حضور مدیرعامل پرداخته شده است. فرضیه‌های پژوهش حاضر این است که در سال آخر حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایش یافته و وجود دارد، رابطه تغییر مدیرعامل و مدیریت سود، مثبت است و اگر همراه با تغییر مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره یا حداقل یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره هم تغییر کند، رابطه مذکور تشدید می‌شود. بدین منظور تعداد ۱۰۹۹ شرکت سال انتخاب و از آزمون‌های تی تک‌متغیره، دو جمله‌ای و تحلیل رگرسیون بهره‌برده و از آزمون‌های چاو و هاسمن به منظور انتخاب بین مدل‌های ترکیبی، آثار ثابت و آثار تصادفی استفاده شده است. نتایج نشان داد در سال آخر حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایش یافته و وجود ندارد. همچنین با استفاده از تحلیل رگرسیون، هیچ‌گونه رابطه مثبت معنی‌داری بین تغییر

* دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، گروه حسابداری، مشهد، خراسان رضوی، ایران.

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه اصفهان، گروه حسابداری، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

مدیرعامل و مدیریت سود یافت نشد؛ و این رابطه با تغییر هم‌زمان مدیرعامل با رئیس هیأت مدیره یا حداقل یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره تشدید نمی‌گردد.

واژه‌های کلیدی: ارقام تعهدی اختیاری، تغییر مدیریت و مدیریت سود.

۱- مقدمه

شپیپر^۱ (۱۹۸۹) مدیریت سود را مداخله‌ای هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی با قصد دست‌یابی به منافع خصوصی، تعریف کرد. همچنین جونز و شارما^۲ مدیریت سود را این چنین تعریف کردند: «مدیریت سود یعنی اعمال قضاوت مدیران در گزارشگری مالی جهت گمراه نمودن برخی از ذینفعان درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است» (جونز و شارما، ۲۰۰۱). همان‌طور که مشخص است بستر مدیریت سود گزارش‌های برون سازمانی شرکت‌هاست و از آن جایی که مسئول تهیه گزارش‌های برون سازمانی، مدیران ارشد شرکت‌ها هستند، مسئول مدیریت سود در شرکت‌ها نیز مدیران ارشد شرکت‌ها می‌باشند. به علاوه در تئوری «مدیریت افشای مالی شرکتی»^۳، به خروجی افشای شرکت به دید تابعی از چندین متغیر از جمله ساختار داخلی شرکت و سیاست‌ها نگرسته می‌شود و در این تئوری بر نقش کلیدی مدیرعامل در تعیین موقعیت افشای شرکت تأکید می‌شود:

«وضعیت افشا تحت تأثیر و تأثیرگذار بر چندین عامل سازمانی داخلی است از جمله تاریخچه شرکت، عملکرد مالی آن، شخصیت و ترجیحات مقامات اجرایی آن» (گیبینز و همکاران، ۱۹۹۰، ۴).

ما در این پژوهش بر سه جایگاه کلیدی مدیریت شرکت‌ها تمرکز می‌کنیم. مدیرعامل به عنوان قلب مدیریت اجرایی شرکت، رئیس هیأت مدیره و اعضای غیرموظف هیأت مدیره شرکت. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تغییر مدیرعامل (حضور مدیرعامل در سال پایانی فعالیتش) بر مدیریت سود، تأثیر تغییر هم‌زمان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره بر مدیریت

1. Schipper

2. Jones and Sharma

3. Theory of the management of corporate financial disclosure

4. Gibbins, et al.

سود و تأثیر تغییر هم‌زمان مدیرعامل و حداقل یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره بر مدیریت سود می‌باشد.

در ادامه در بخش دوم پیشینه مختصری از ادبیات موضوع عنوان گردیده و به بسط فرضیه‌ها می‌پردازیم؛ در بخش سوم طرح پژوهش عنوان می‌شود؛ در بخش چهارم به آزمون فرضیه‌ها پرداخته و در نهایت در بخش پنجم به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه پژوهش و بسط فرضیه‌ها

در سال آخر حضور مدیرعامل در شرکت، احتمالاً مدیریت سود افزایشده وجود دارد؛ زیرا از طرفی مدیرعامل می‌خواهد با گزارش نمودن سود بیشتر از واقع، پاداش خود را به حداکثر برساند (دجو و اسلوان^۱، ۱۹۹۱، مورفی و زیمرمن^۲، ۱۹۹۳ و پورسیا^۳، ۱۹۹۳) و از طرف دیگر مدیر با این کار می‌خواهد احتمال کسب جایگاهی در هیأت مدیره را پس از کناره‌گیری از سمت مدیرعاملی افزایش دهد (بریکلی^۴، ۱۹۹۹). به علاوه، طبق فرضیه «افق دید کوتاه مدت»^۵، مدیر در حال برکناری این انگیزه را دارد تا با افزایش سود گزارش شده در سال پایانی حضور خود در شرکت، به پاداش بیشتری دست یافته و شهرت و اعتبار خود را نیز افزایش دهد (پورسیا، ۱۹۹۳). این در حالی است که اگر مدیر افق دید بلندمدت داشته باشد، اثر بلندمدت اقلام تعهدی اختیاری بر سود نزدیک صفر خواهد بود (گای و همکاران^۶، ۱۹۹۶ و بنیش^۷، ۲۰۰۲). اما وقتی مدیرعامل به مقطع برکناری نزدیک می‌شود، اثرگذاری معکوس اقلام تعهدی اختیاری به دوران مدیرعامل بعدی منتقل می‌گردد.

رئیس هیأت مدیره نیز در سال آخر حضورش در این جایگاه احتمالاً تمایل به مدیریت سود افزایشده دارد؛ زیرا چنانچه وی از مدیران اجرایی باشد، با این کار می‌تواند احتمال حفظ جایگاهی در هیأت مدیره را افزایش داده و شهرت و اعتبار خود را بهبود بخشد و اگر او از اعضای غیرموظف هیأت مدیره باشد، انگیزه کمی برای انجام صحیح وظایف نظارتی خود دارد. در سال آخر حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره نیز ممکن است احتمال مدیریت سود

1. Dechow and Sloan

2. Murphy and Zimmerman

3. Pourciau

4. Brickley

5. Short horizon

6. Guay, et al.

7. Beneish

افزاینده افزایش یابد؛ زیرا آن‌ها با پیش‌بینی عدم ادامه رابطه‌شان با شرکت، انگیزه کمتری برای انجام صحیح وظایف خود دارند (افق دید کوتاه مدت).

اما در مورد وجود مدیریت سود در سال پایانی حضور مدیرعامل ادبیات متناقضی وجود دارد. پورسیا (۱۹۹۳) با تمرکز بر تغییرات غیرمعمول مدیرعامل^۱، هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر مدیریت سود در سال آخر حضور مدیرعامل نیافت. مورفی و زیمرمن^۲ (۱۹۹۳) با انجام تحقیقی، متغیرهای بیشتری را کنترل کرد. تفاوت این تحقیق با تحقیقات قبل از آن، تجزیه و تحلیل تغییرات هم‌زمان در متغیرهای مختلفی چون هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه تبلیغات، هزینه‌های سرمایه‌های و اقلام تعهدی اختیاری حسابداری و همچنین در نظر گرفتن درون‌زا بودن تغییر مدیریت بود. پس از کنترل عامل درون‌زا بودن تغییر مدیریت و عملکرد شرکت، شواهدی در مورد استفاده مدیر از اقلام تعهدی اختیاری حسابداری یا متغیرهای سرمایه‌گذاری یافت نشد. همچنین، کاهش در نرخ رشد هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه تبلیغات و هزینه‌های سرمایه‌های به وسیله عملکرد ضعیف شرکت‌ها بهتر توجیه شد. ولز^۳ (۲۰۰۲) نیز با انجام پژوهشی در استرالیا شواهدی از مدیریت سود افزایش‌دهنده در سال آخر حضور مدیرعامل نیافت.

از طرف دیگر، ونسیل^۴ (۱۹۸۷) با طبقه‌بندی تغییر مدیرعامل به معمول و غیرمعمول نتیجه گرفت که انگیزه‌های مدیریت سود در تغییرات غیرمعمول مدیریت افزایش می‌یابد. دجو و اسلوان^۵ (۱۹۹۱) به بررسی انگیزه‌های مدیران شرکت‌ها در سال‌های آخر تصدی آن‌ها پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که نرخ رشد مخارج تحقیق و توسعه در سال‌های آخر تصدی مدیران کاهش یافته و مدیران از این طریق اقدام به مدیریت سود افزایش می‌کنند. ریتنگا و ترنی^۶ (۲۰۰۳) نیز با انجام پژوهشی دریافتند که در سال آخر حضور مدیرعامل و در دو سال آخر حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایش‌دهنده وجود دارد و هنگامی که مدیر پس از کناره‌گیری در هیأت مدیره حضور خود را حفظ کرده، این رابطه قوی‌تر است. آن‌ها همچنین دریافتند وجود مدیران مستقل (غیر اجرایی) و سهام‌داران عمده، کاهنده شدت این رابطه و وجود

۱. منظور از تغییر معمول، پایان دوره تصدی و بازنشستگی مدیرعامل و منظور از تغییر غیرمعمول، استعفا، برکناری یا فوت مدیرعامل است.

۲. Murphy and Zimmerman

۳. Wells

۴. Vancil

۵. Dechow and Sloan

۶. Reitenga and Tearney

سهام‌داران نهادی تشدیدکننده این رابطه است. همچنین مارد و مارست^۱ (۲۰۰۹) با بررسی شرکت‌های فرانسوی، وجود مدیریت سود افزایشده در سال قبل از تغییر مدیرعامل را گزارش کردند. در برخی از پژوهش‌ها با وجود اثبات مدیریت سود افزایشده در سال قبل از تغییر مدیرعامل، تعمیم آن برای همه شرکت‌ها انجام نشده است. کالیتا^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی بازنشستگی مدیران و مدیریت سود پرداخت. وی به این نتیجه می‌رسد که افزایش سود در دوره قبل از بازنشستگی مدیران فقط در شرکت‌هایی رخ داده است که طرح بازنشستگی مدیران مبتنی بر عملکرد شرکت در دوره قبل از بازنشستگی بوده است. چوی^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی در کشور کره جنوبی، پس از کنترل عملکرد مالی و ساختار حاکمیت شرکتی، وجود مدیریت سود افزایشده را در سال آخر حضور مدیرعامل گزارش نمودند. در ایران نیز اسدی و منتی‌منجق‌تپه (۱۳۹۰) در پژوهشی وجود مدیریت سود افزایشده در سال آخر حضور مدیرعامل را تایید نمودند.

با توجه به مطالب فوق فرضیه‌های اول تا چهارم به شرح زیر عنوان می‌گردند.

فرضیه اول: در سال آخر حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایشده وجود دارد.

فرضیه دوم: در سال آخر حضور مدیرعامل، بین تغییر مدیرعامل و مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تغییر هم‌زمان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره با مدیریت سود در سال آخر حضور آن‌ها، رابطه مثبت قوی‌تری نسبت به حالتی که فقط مدیرعامل تغییر کرده، وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تغییر هم‌زمان مدیرعامل و حداقل یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره با مدیریت سود در سال آخر حضور آن‌ها، رابطه مثبت قوی‌تری نسبت به حالتی که فقط مدیرعامل تغییر کرده، وجود دارد.

لازم به ذکر است، در صورتی که مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره، یک شخص باشد و این شخص تغییر کند، از دید این پژوهش، «تغییر هم‌زمان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره» روی داده است. همچنین اگر رئیس هیأت مدیره، عضو غیرموظف هیأت مدیره نیز باشد و این شخص به همراه مدیرعامل تغییر کند، از دید این پژوهش، هم «تغییر هم‌زمان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره» و هم «تغییر هم‌زمان مدیرعامل و یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره» اتفاق افتاده است.

1. Mard and Marsat

2. Kalyta

3. Choi

۳- طرح پژوهش

در این بخش به معرفی روش پژوهش و روش آزمون فرضیه‌ها خواهیم پرداخت. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، همبستگی است.

۳-۱- **جامعه و نمونه آماری**: برای این پژوهش از روش نمونه‌گیری غربال‌گری^۱ (حذف سیستماتیک)، بر اساس شرایط مشخص شده برای ورود هر مشاهده به نمونه، استفاده شده است. لذا نمونه پژوهش دربرگیرنده تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ به جز موارد ذیل می‌باشد:

الف- شرکت‌های با سال مالی منتهی به تاریخی غیر از پایان اسفند ماه: در پژوهش حاضر از ارقام تعهدی اختیاری^۲ به عنوان شاخص مدیریت سود استفاده شده است و برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری، از مدل تعدیل شده عملکردی جونز^۳ استفاده گردیده است. اجرای این مدل مستلزم تفکیک مشاهدات به صنایع مختلف و همچنین سال‌های مختلف است. بنابراین از آنجایی که نمی‌توان شرکت‌سال‌هایی با سال مالی غیر از پایان اسفند را با شرکت‌سال‌های با سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه از لحاظ زمانی در یک گروه زمانی گنجانده، شرکت‌سال‌های با سال مالی منتهی به تاریخی غیر از پایان اسفند ماه، از نمونه حذف گردیده‌اند.

ب- شرکت‌های صنعت واسطه‌گری مالی (شامل صنایع سرمایه‌گذاری، بانک و بیمه).

ج- شرکت سال‌هایی که تغییر سال مالی به تاریخ پایان اسفند ماه داشته‌اند.

د- شرکت‌های با عملکرد خاص: حساسیت مدل‌های تخمین ارقام تعهدی اختیاری نسبت به عملکردهای خاص و اهرم‌هایی با اعداد افراطی، ضرورت توجه بیشتر را ایجاب می‌کند. لذا مطابق ویلسون و وانگ^۴ (۲۰۱۰)، شرکت سال‌هایی را که کل درآمدها به دارایی‌های ابتدای دوره آن‌ها کمتر از ۰/۰۱ و همچنین شرکت سال‌هایی را که کل ارقام تعهدی آن‌ها بیش از ۰/۵ مجموع دارایی‌های ابتدای دوره آن‌ها بودند، از نمونه حذف گردید.

1. Dimson

2. Discretionary Accruals

3. Performance-matching Jones model

4. Wilson and Wang

- ه- شرکت سال‌هایی که در هیچ یک از صنایع تقسیمی ما نمی‌گنجیدند.
- و- شرکت سال‌هایی که اطلاعات مالی و مدیریتی آن‌ها در دسترس نبود.
- به طور خلاصه جامعه و نمونه آماری این پژوهش به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱: جامعه و نمونه آماری

تعداد نمونه	مشاهده‌های حذف شده	شرح
۳۰۶۷		جامعه آماری (شرکت سال)
	۳۴۶	شرکت سال‌های بخش واسطه‌گری مالی
	۶۵۳	شرکت سال‌ها با سال مالی غیر از ۱۲/۲۹
	۹۵	شرکت سال‌ها با تغییر سال مالی به ۱۲/۲۹
	۳۱۹	شرکت سال‌ها با عدم تناسب با تقسیم بندی صنایع ما
	۱	شرکت سال‌ها با نسبت کل درآمد به مجموع دارایی‌های اول دوره کمتر از ۰/۰۱
	۲۷	شرکت سال‌ها با نسبت کل ارقام تعدی به مجموع دارایی‌های اول دوره بیشتر از ۰/۵
	۵۲۷	عدم دسترسی به اطلاعات مالی، مدیریتی، سال قبل و سال بعد
۱۰۹۹		تعداد نمونه نهایی

ماخذ: محاسبه پژوهشگر

برای تعریف سال پایانی حضور مدیریت، پایان سال مالی به عنوان نقطه انقطاع در نظر گرفته شده است. برای مثال در صورتی سال ۱۳۸۳ سال پایانی حضور مدیریت است که مدیر جدید از تاریخ ۱۳۸۴/۱/۱ تا ۱۳۸۴/۱۲/۲۹ منصوب شده باشد.^۱ داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از نرم افزارهای ره آورد نوین و تدبیرپرداز و صورت‌های مالی و گزارش فعالیت شرکت‌های نمونه گردآوری شده است.

۳-۲- اندازه گیری مدیریت سود : مدیریت سود به وسیله مدل تعدیل شده عملکردی جونز^۲ که برای اولین بار توسط کوتاری^۳ و همکارانش در سال ۲۰۰۵ معرفی شد، اندازه گیری

۱. در برخی از پژوهش‌ها (ولز و همکاران ۲۰۰۲ و گادفری و همکاران ۲۰۰۳) نقطه انقطاع سه ماه پس از پایان سال مالی تعریف شده است.

۲. Performance-matching Jones model

۳. Kothari

می‌شود. در این روش ارقام تعهدی اختیاری به وسیله بخشی از کل ارقام تعهدی که با فاکتورهای اساسی و خاص هر شرکت توجیه نمی‌شود، برآورد می‌گردد. در این مدل ابتدا کل ارقام تعهدی (TAC) هر دوره به شیوه ذیل محاسبه می‌گردد:

$$TAC_{i,t} = OI_{i,t} - CFO_{i,t} \quad (۱)$$

که $OI_{i,t}$ سود عملیاتی شرکت i در سال t و $CFO_{i,t}$ خالص جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی شرکت i در سال t است. سپس با استفاده از رگرسیون OLS حساسیت کل ارقام تعهدی نسبت به رشد درآمدها، اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص و نرخ بازده دارایی‌ها سنجیده می‌گردد. رگرسیون ذیل باید برای هر صنعت و هر سال به منظور کنترل تفاوت‌های ساختار دارایی‌ها و عملیات شرکت‌ها استفاده گردد:

$$TAC_{i,t} / TA_{i,t-1} = a (1 / TA_{i,t-1}) + b [(\Delta SALE_{i,t} - \Delta REC_{i,t-1}) / TA_{i,t-1}] + c (PPE_{i,t} / TA_{i,t-1}) + d (ROA_{i,t} / TA_{i,t-1}) + \varepsilon_t \quad (۲)$$

که در مدل فوق :

$TAC_{i,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t است که در معادله ۱ به دست آمده است.

$TA_{i,t-1}$: جمع دارایی‌های شرکت i در پایان سال $t-1$

$\Delta SALE_{i,t}$: تغییرات درآمدهای عملیاتی شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t

$\Delta REC_{i,t-1}$: تغییرات در خالص حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t

$PPE_{i,t}$: اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در پایان سال $t-1$

$ROA_{i,t}$: سود خالص تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت i در سال t می‌باشد.

سپس با استفاده از ضرایب رگرسیون در معادله ۲ که برای شرکت‌های هر صنعت و هر سال برآورد شده‌اند، ارقام تعهدی غیر اختیاری (NDAC) را برای تک تک شرکت‌های همان صنعت و همان سال محاسبه می‌کنیم :

$$NDAC_{i,t} / TA_{i,t-1} = a (1 / TA_{i,t-1}) + b [(\Delta SALE_{i,t} - \Delta REC_{i,t-1}) / TA_{i,t-1}] + c (PPE_{i,t} / TA_{i,t-1}) + d (ROA_{i,t} / TA_{i,t-1}) + \varepsilon_t \quad (۳)$$

در نهایت ارقام تعهدی اختیاری (DA) برای هر شرکت و در هر سال، با کاستن ارقام تعهدی غیر اختیاری از کل ارقام تعهدی واقعی آن شرکت و در سال مورد نظر محاسبه می‌گردد:

$$DA_{i,t} = TAC_{i,t} - NDAC_{i,t} \quad (۴)$$

۳-۳- مدل‌ها و روش‌های آماری: برای آزمون فرضیه اول از دو روش استفاده می‌گردد. ابتدا میانگین ارقام تعهدی اختیاری همگن شده به وسیله مجموع دارایی‌های ابتدای دوره محاسبه شده و آزمون تی تک متغیره گرفته می‌شود. به علاوه در صورت غیر نرمال بودن داده‌ها از آزمون غیر پارامتریک دو جمله ای^۱ نیز استفاده می‌شود.

از آن جایی که مشاهدات این پژوهش به صورت پانل غیر متوازن^۲ بود، برای آزمون رابطه مفروض بین سطح مدیریت سود و تغییرات مدیریت ارشد (فرضیات دوم تا چهارم) از آزمون‌های چاو^۳ و هاسمن^۴ استفاده گردید که نتایج آن منجر به انتخاب رگرسیون خطی چندگانه با اثرات تصادفی شد. جهت برآورد پارامترهای مدل از روش OLS استفاده می‌گردد. همچنین برای مقایسه شدت رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از آزمون والد^۵ استفاده می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزار «ای ویوز»^۶ استفاده شده است. در مدلی که در پی می‌آید، متغیرهای کنترلی ذیل تعریف شده‌اند:

* متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت (MTB): این متغیر به منظور کنترل تأثیر فرصت رشد بلندمدت شرکت‌ها بر ارقام تعهدی اختیاری کنترل می‌گردد. بازار از رشد سود آینده شرکت‌هایی که ضرایب MTB بیشتری دارند، تصور و دید مثبتی دارد. مدیران تحت فشار بازار سرمایه باید پاسخگوی انتظارات بازار باشند و این تصور مثبت را حفظ کنند. از این رو ممکن است به سمت مدیریت سود سوق پیدا کنند. رابطه مستقیم این نسبت با ارقام تعهدی اختیاری در برخی از پژوهش‌های قبلی گزارش شده است (اسباق و همکاران^۷، ۲۰۰۳؛ گیگر و نورث^۸، ۲۰۰۶).

1. Non-parametric binomial test

2. Unbalanced panel data

3. Chow

4. Hausman

5. Wald Test

6. Eviews

7. Asbaugh, et al

8. Geiger and North

* **اندازه شرکت (SIZE)** : در پژوهش‌های قبلی معناداری رابطه این متغیر با اقلام تعهدی اختیاری اثبات شده است (فرانکل و همکاران^۱، ۲۰۰۲؛ دیویدسون و همکاران^۲، ۲۰۰۵، مدرس و همکاران، ۱۳۸۸). برخی از پژوهش‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بزرگ برای کاهش جلب توجه‌ها از خود، اقدام به مدیریت سود کاهنده می‌کنند (انگیزه سیاسی)؛ لذا رابطه معنادار بین اندازه شرکت و مدیریت سود وجود دارد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). برخی از پژوهش‌های دیگر به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بزرگ برای حفظ وجهه خود نزد تحلیل‌گران و اجتناب از دعاوی حقوقی، کمتر مدیریت سود می‌کنند (موسس^۳، ۱۹۸۷؛ لانگ و لانهلم^۴، ۱۹۹۳).

* **نرخ بازده دارایی‌های سال قبل (LagROA)** : به منظور کنترل تأثیر عملکرد شرکت‌ها بر اقلام تعهدی اختیاری از این متغیر استفاده می‌شود. استدلال می‌شود که شرکت‌های با عملکرد خوب انگیزه کمتری برای مدیریت سود و دست‌کاری نتایج دارند (رامونس و همکاران، ۲۰۰۹، ۵).

* **مجموع اقلام تعهدی سال قبل (LagTAC)** : به منظور کنترل معکوس شدن طبیعی اقلام تعهدی و مطابق با پژوهش ویلسون و وانگ (۲۰۱۰)، این متغیر کنترل می‌گردد.

* **رشد فروش (GROWTH)** : طبق پژوهش‌های گذشته شرکت‌های با رشد فروش بیشتر، به دلیل فشار برآوردن انتظارات سرمایه‌گذاران (بازار سرمایه)، با احتمال بیشتری دست به مدیریت سود می‌زنند (منون و ویلیامز^۶، ۲۰۰۳؛ گیگر و نورث^۷، ۲۰۰۶).

* **زیان ده بودن (LOSS)** : وقتی شرکتی در یک سال مالی عملکرد بسیار ضعیفی داشته باشد، احتمالاً با مدیریت سود کاهنده، نتایج عملیات را بدتر جلوه می‌دهد. این اقدام به شرکت این اجازه را می‌دهد تا زیان‌های سال‌های آتی را در سال مالی مورد نظر شناسایی کند و از این طریق بستر را برای مدیریت سود افزایشده در سال‌های بعد فراهم کند. به این استراتژی «انتقال

1. Frankel, et al.

2. Davidson, et al.

3. Moses

4. Lang and Lundholm

5. Romanus, et al.

6. Menon and Williams

7. Geiger and North

اقدام منفی آینده به دوره جاری^۱ می‌گویند (کردستانی، ۱۳۸۱). در برخی از پژوهش‌ها اعمال این روش به اثبات رسیده است (لی و ماند^۲، ۲۰۰۳).

* **وجه نقد حاصل از عملیات (CashFO)**: در پژوهش‌های گذشته وجود رابطه منفی بین وجه نقد عملیاتی و اقدام تعهدی اختیاری یافت شده است (بکر و همکاران^۳، ۱۹۹۸؛ منون و ویلیامز، ۲۰۰۳).

* **آشفته‌گی‌های مالی (DISTRESS)**: مطابق با پژوهش گیگر و نورث (۲۰۰۶)، جهت کنترل برآورد بیش از حد اقدام تعهدی اختیاری به وسیله مدل تعدیل شده عملکردی جونز در شرکت‌های دارای آشفته‌گی مالی، این متغیر را کنترل می‌نماییم. برای این کار از Z-score آلتمن^۴ استفاده می‌کنیم. بنابراین مطابق با پژوهش ویلسون و وانگ (۲۰۱۰)، جهت آزمون فرضیه دوم از مدل ۵ استفاده می‌کنیم:

$$DAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEO_{i,t} + \beta_2 MB_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LagROA_{i,t} + \beta_5 LagTAC_{i,t} + \beta_6 GROWTH_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 CashFO_{i,t} + \beta_9 DISTRESS_{i,t} + \sum_{n=1981}^{1988} YEAR_n + \varepsilon_t \quad (5)$$

که در رابطه فوق:

$DAC_{i,t}$ = اقدام تعهدی اختیاری تقسیم بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌های ابتدای دوره شرکت i در سال t است.

$CEO_{i,t}$ = به عنوان یک متغیر مجازی، اگر شرکت i در سال t ، در سال پایانی حضور مدیرعامل خود باشد ۱ و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

$MB_{i,t}$ = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t است.

$SIZE_{i,t}$ = نشان دهنده اندازه شرکت i در سال t و برابر با لگاریتم طبیعی میزان درآمد فروش شرکت‌ها می‌باشد.

$LagROA_{i,t}$ = نرخ بازده دارایی‌ها شرکت i در سال $t-1$ است.

$LagTAC_{i,t}$ = مجموع اقدام تعهدی تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ است.

$GROWTH_{i,t}$ = نشان دهنده رشد عملکرد شرکت i بوده که برابر با تفاوت درآمد فروش سال t شرکت نسبت به سال $t-1$ تقسیم بر فروش سال $t-1$ می‌باشد.

1. Taking a bath

2. Lee and Mande

3. Becker, et al.

4. Altman

$LOSS_{i,t}$ = به عنوان یک متغیر مجازی، نشان دهنده عملکرد منفی سال گذشته می باشد که اگر شرکت در سال گذشته زیان خالص داشته باشد برابر ۱ در غیر این صورت صفر می باشد.
 $CashFO_{i,t}$ = وجه نقد عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی های شرکت i در سال t است.
 $DISTRESS_{i,t}$ = ZScore آلتمن شرکت i در سال t می باشد.
 $YEARn$ = متغیرهای مجازی برای کنترل تأثیرات سال می باشند.

برای آزمون فرضیه های سوم و چهارم از مدل ۶ استفاده می کنیم. هدف از این معادله ارائه مدل رگرسیونی است که بتوان به وسیله آن حساسیت نسبی اقلام تعهدی اختیاری نسبت به تغییرات مدیرعامل به صورت واحد و تغییرات همزمان مدیرعامل و سایر مدیران را آزمون کرد.

$$DAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 UCEO_{i,t} + \beta_2 CEOCH_{i,t} + \beta_3 CEONE_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LagROA_{i,t} + \beta_7 LagTAC_{i,t} + \beta_8 GROWTH_{i,t} + \beta_9 LOSS_{i,t} + \beta_{10} CashFO_{i,t} + \beta_{11} DISTRESS_{i,t} + \sum_{n=1381}^{1388} YEAR n + \varepsilon_t \quad (۶)$$

که در رابطه بالا:

$UCEO_{i,t}$ = به عنوان یک متغیر مجازی، اگر به تنهایی مدیرعامل شرکت i در سال t ، در سال پایانی حضور خود در شرکت باشد ۱ و در غیر این صورت صفر می باشد.
 $CEOCH_{i,t}$ = به عنوان یک متغیر مجازی، اگر به طور همزمان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره شرکت i در سال t ، در سال پایانی حضور خود در شرکت باشند ۱ و در غیر این صورت صفر می باشد.
 $CEONE_{i,t}$ = به عنوان یک متغیر مجازی، اگر به طور همزمان مدیرعامل و حداقل یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره شرکت i در سال t ، در سال پایانی حضور خود در شرکت باشند ۱ و در غیر این صورت صفر می باشد.

۴- آزمون فرضیه ها

این بخش به ارائه آمار توصیفی، آزمون آماری فرضیه ها و تحلیل نتایج اختصاص دارد.

۴-۱- آمار توصیفی: آمار توصیفی متغیر وابسته یعنی اقلام تعهدی اختیاری (همگن شده به وسیله ارزش دفتری دارایی های ابتدای دوره) به تفکیک شرکت سال هایی که در آنها مدیرعامل در سال پایانی حضور خود در شرکت بوده و نبوده، در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیر وابسته

تعداد	میانگین	مینیمم	میانه	ماکزیمم	انحراف معیار
۱۰۹۹	۰/۰۰۰۹	-۰/۴۳۳	۰/۰۰۱۷	۰/۵۲۰	۰/۱۱۵
۲۹۹	۰/۰۰۳۳۱	-۰/۳۲۷	۰/۰۰۳۳	۰/۳۶۴	۰/۱۱۳
۸۰۰	۰/۰۰۰۰۰	-۰/۴۳۳	۰/۰۰۱۴	۰/۵۲۱	۰/۱۱۶

ماخذ: محاسبات پژوهشگر

در جدول شماره ۳ شاهد آمار توصیفی متغیرهای مستقل هستیم. در مورد متغیرهای مجازی تنها میانگین ارائه شده است؛ اما در مورد متغیرهای غیرمجازی (پیوسته) علاوه بر میانگین، میانه و انحراف معیار نیز در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرهای مستقل مجازی

متغیرهای مجازی	تعداد	تعداد مواردی که متغیر مجازی ۱ شده	درصد مواردی که متغیر مجازی ۱ شده
CEO	۱۰۹۹	۲۹۹	۲۷/۲
UCEO	۱۰۹۹	۳۸	۳/۵
CEOCH	۱۰۹۹	۱۷۵	۱۵/۹
CEONE	۱۰۹۹	۲۳۹	۲۱/۷
Loss	۱۰۹۹	۱۳۱	۱۱/۹

ماخذ: محاسبات پژوهشگر

جدول ۴: آمار توصیفی متغیرهای مستقل پیوسته

تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار
شرکت‌های بدون حضور مدیرعامل در سال پایانی:			
۸۰۰	۱/۱۳	۰/۶۳۲	۲/۰۸
۸۰۰	۱۲/۴۲	۱۲/۳۲	۱/۳۷
۸۰۰	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۶
۸۰۰	۰/۱۲	۰/۰۲۴	۱/۲
۸۰۰	۰/۲۶۳	۰/۱۸	۰/۷
۸۰۰	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۹
۸۰۰	۲/۸۳	۲/۲۱	۵/۲۹
شرکت‌های با حضور مدیرعامل در سال پایانی:			
۲۹۹	۱/۱۷	۰/۵۷	۲/۲۸
۲۹۹	۱۲/۵	۱۲/۴۸	۱/۳۷
۲۹۹	۰/۱۲	۰/۱	۰/۱۵
۲۹۹	۰/۰۳	۰/۰۲۱	۰/۱۵

انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۷	۰/۱۴	۲۹۹	GROWTH
۰/۱۹	۰/۱	۲۹۹	CashFO
۲/۶۹	۲/۰۵	۲/۴۵	DISTRESS

ماخذ: محاسبات پژوهشگر

۴-۲- وجود مدیریت سود در سال تغییر مدیرعامل و سال پس از آن : در جدول شماره ۵ در پی آزمون فرضیه اول هستیم؛ بنابراین تجزیه و تحلیل‌هایی در مورد شرکت سال‌هایی که در سال آخر حضور مدیرعامل خود بوده‌اند، ارائه شده است. بدین منظور از دو آزمون t و دو جمله‌ای استفاده شده است. نتایج نشان داد میانگین ارقام تعهدی اختیاری در سال پایانی حضور مدیرعامل مثبت بوده، اما تفاوت معنی داری با صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد. آزمون غیر پارامتریک دوجمله‌ای نیز از این پیش‌بینی که در سال پایانی حضور مدیرعامل، ارقام تعهدی اختیاری مثبت به احتمال بیشتری از ارقام تعهدی اختیاری منفی رخ می‌دهند، حمایت نکرد. بنابراین فرضیه اول تایید نمی‌گردد.

همان طور که در بخش بسط فرضیه‌ها عنوان شد مدیرعامل در حال خروج از شرکت انگیزه‌های متعددی برای مدیریت سود افزایشده (مثبت) در سال آخر فعالیت خود دارد. به عنوان نمونه به فرضیه «افق دید کوتاه‌مدت» اشاره گردید؛ بدین معنا که مدیرعامل که خود را در حال خروج از شرکت می‌بیند، ممکن است عدم همکاری آتی با شرکت را فرصت خوبی برای مدیریت سود افزایشده ببیند. حال پرسشی مطرح است و آن این که اگر مدیرعامل در حال خروج، در هیأت مدیره سال بعد حضور داشته باشد، آیا باز هم شاهد مدیریت سود افزایشده در سال پایانی حضور مدیرعامل هستیم؟ به عبارت دیگر اگر مدیرعامل در حال خروج، برای خود در آینده شرکت جایگاهی متصور باشد، آیا باز هم مرتکب مدیریت سود افزایشده می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش، شرکت‌سال‌هایی که در آن‌ها مدیرعامل در سال پایانی حضور خود در شرکت بود، به دو بخش تقسیم گردید. دسته اول شرکت‌سال‌هایی که مدیرعامل در حال خروج در هیأت مدیره جدید حضور دارد و دسته دوم شرکت‌سال‌هایی که مدیرعامل در حال خروج در هیأت مدیره جدید حضور ندارد. به منظور بررسی این موضوع از آزمون t استفاده گردید که در جدول ۵ نشان داده شده است. بخش الف مربوط به کلیه شرکت‌هایی است که در موقعیت سال قبل از تغییر مدیرعامل قرار دارند؛ در حالی که بخش ب به تفکیک این شرکت‌ها اختصاص دارد.

نتایج نشان داد حضور یا عدم حضور مدیرعامل در حال خروج در هیأت مدیره جدید، تأثیری در میزان ارقام تعهدی اختیاری در سال قبل از تغییر مدیرعامل ندارد و همان‌طور که

برای کلیه شرکت‌هایی که در موقعیت سال قبل از تغییر مدیرعامل بودند، وجود مدیریت سود افزایش یافته تأیید نشد، برای دو زیر نمونه آن نیز به طور مشابه تأیید نگردید.

جدول ۵: اقلام تعهدی اختیاری در سال پایانی حضور مدیرعامل

بخش الف	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون t (p-value)	آزمون دو جمله ای (p-value)
اقلام تعهدی اختیاری t	۲۹۹	۰/۰۰۳۳	۰/۱۱۳	۰/۵۰۴ (۰/۳۰۷)	(۰/۳۶)
بخش ب					
حضور مدیرعامل قبلی در هیأت مدیره جدید:					
اقلام تعهدی اختیاری t	۶۱	۰/۰۰۵۹	۰/۱۱۱	۰/۴۱۵ (۰/۳۴)	(۰/۴۵)
عدم حضور مدیرعامل قبلی در هیأت مدیره جدید:					
اقلام تعهدی اختیاری t	۲۱۴	-۰/۰۰۰۴	۰/۱۱۵	-۰/۰۴۹ (۰/۴۸)	(۰/۴۳)

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۳-۴- رابطه بین تغییر مدیرعامل و مدیریت سود : برای آزمون فرضیه دوم از رابطه رگرسیونی (۵) و برای آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم از رابطه رگرسیونی (۶) استفاده شده است. در جدول ۶ نتایج رگرسیون مذکور ارائه شده است. آماره F در کلیه مدل‌ها نشان دهنده معناداری کلی مدل رگرسیونی برازش شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد است.

همان طور که در ستون ۱ جدول ۶ مشخص است، P-آزمون برابر با ۰/۹۵ حاکی از این است که بین حضور مدیرعامل در سال پایانی فعالیتش و اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی دار وجود ندارد. بنابراین فرضیه دوم تأیید نمی‌گردد.

فرضیه سوم بیان می‌کرد که بین تغییر هم‌زمان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره با مدیریت سود در سال آخر حضور آن‌ها، رابطه مثبت قوی‌تری نسبت به حالتی که فقط مدیرعامل تغییر کرده، وجود دارد. به عبارت دیگر فرضیه فوق ادعا می‌کند در مدل رگرسیونی (۶) رابطه متغیر CEOCH با متغیر وابسته در جهت مثبت قوی‌تر از رابطه متغیر UCEO با متغیر وابسته است. برای این امر از آزمون «والد» استفاده می‌کنیم که در ستون ۲ جدول ۶ ارائه گردیده است. P-آزمون برابر با ۰/۵۷۲ حاکی از عدم تأیید فرضیه فوق می‌باشد. در مورد فرضیه چهارم نیز P-آزمون برابر با ۰/۱۵۶ نشان از عدم تأیید این فرضیه است.

جدول ۶: نتایج رگرسیون در آزمون رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و تغییر مدیرعامل

متغیر توضیحی	ستون ۱	ستون ۲
	DAC _t	DAC _t
CEO	۰/۰۰۰۴ (۰/۹۵)	
UCEO		۰/۰۱۸ (۰/۲۳۸)
CEOCH		۰/۰۰۸ (۰/۴۷۲)
CEONE		-۰/۰۰۷ (۰/۴۷۴)
MB	۰/۰۰۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷ (۰/۰۰۰)
SIZE	۰/۰۰۴ (۰/۰۶۶)	۰/۰۰۴ (۰/۰۶۶)
LagROA	۰/۲۱۷ (۰/۰۰۰)	۰/۲۱۵ (۰/۰۰۰)
LagTAC	-۰/۰۰۵ (۰/۰۹۸)	-۰/۰۰۵ (۰/۰۹۵)
GROWTH	۰/۰۲۶ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲۶ (۰/۰۰۰)
LOSS	-۰/۰۴۵ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۴۵ (۰/۰۰۰)
CashFO	-۰/۴۴ (۰/۰۰۰)	-۰/۴۳۵ (۰/۰۰۰)
DISTRESS	۰ (۰/۲۸)	-۰/۰۰۱ (۰/۲۷۶)
ضریب ثابت	-۰/۰۳ (۰/۳۲۸)	-۰/۰۲۸ (۰/۳۵۱)
تعداد مشاهدات	۱۰۹۹	۱۰۹۹
R ²	۰/۳۲	۰/۳۲
F	۵۸/۷۲ (۰/۰۰۰)	۴۸/۱۱ (۰/۰۰۰)
Durbin_Watson	۲/۰۲	۲/۰۰۵
آزمون مقایسه ضرایب (والد):		
CEOCH = UCEO		۰/۵۷۲
CEONE = UCEO		۰/۱۵۶

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی مدیریت سود و رابطه آن با تغییر مدیرعامل در سال پایانی حضور مدیرعامل در منصب خود پرداخته شد. فرضیه‌های پژوهش حاضر این بود که در سال پایانی حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایش یافته و وجود دارد؛ چرا که مدیرعامل در حال خروج احتمالاً می‌تواند با این اقدام احتمال کسب پاداش و جایگاهی در هیأت مدیره را پس از کناره‌گیری از سمت مدیرعاملی افزایش دهد. به علاوه، طبق فرضیه «افق دید کوتاه مدت» مدیر در حال برکناری این انگیزه را دارد تا با افزایش سود گزارش شده در سال پایانی حضور خود در شرکت، به پاداش بیشتری دست یافته و شهرت و اعتبار خود را نیز افزایش دهد. اما با انجام آزمون‌های آماری مشخص شد در سال پایانی حضور مدیرعامل، مدیریت سود افزایش یافته وجود ندارد. ما این احتمال را دادیم که شاید حضور مدیرعامل در هیأت مدیره جدید و وجود افق دید بلندمدت، مانع از این اقدام مدیرعامل باشد. بنابراین مجدداً آزمون‌های آماری را برای زیر نمونه شرکت سال‌هایی که مدیرعامل در حال خروج، در هیأت مدیره جدید حضور ندارد، به کار گرفته شد. نتایج حاکی از عدم وجود مدیریت سود افزایشنده برای این زیر نمونه بود.

از آن جایی که ممکن است وجود مدیریت سود ناشی از عوامل دیگری به جز تغییر مدیرعامل باشد، لزوم بررسی رابطه بین تغییر مدیرعامل و مدیریت سود احساس گردید. بدین منظور از رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردید و سعی شد متغیرهای متعددی که در پژوهش‌های قبلی تأثیر آن‌ها بر مدیریت سود مشاهده شده بود، کنترل گردد. پس از برازش خط رگرسیون نتایج حاکی از عدم وجود رابطه بین تغییر مدیرعامل و مدیریت سود در سال پایانی حضور مدیرعامل بود. در بیان تفسیر این نتیجه می‌توان به وجود قرارداد نمایندگی مناسب و بهینه بین مدیرعامل و مالکان و وجود نظارت مناسب بر حسن اجرای این قرارداد (وجود ارکان حاکمیتی مناسب) اشاره کرد.

به علاوه در این پژوهش رابطه تغییر هم‌زمان مدیریت ارشد با مدیریت سود نیز بررسی گردید. منظور از تغییر هم‌زمان مدیریت ارشد، تغییر هم‌زمان مدیرعامل با رئیس هیأت مدیره و یا تغییر هم‌زمان مدیرعامل با حداقل یکی از مدیران غیراجرایی است. نتایج نشان داد رابطه تغییر هم‌زمان مدیریت ارشد با مدیریت سود قوی‌تر از رابطه تغییر صرف مدیرعامل با مدیریت سود نیست.

شاید بتوان گفت که با تغییر هم‌زمان مدیریت ارشد، مدیران جدید به علت عدم آشنایی کافی با مسایل شرکت و همچنین خصوصیات یکدیگر، احتمال کمتری دارد که در جهت مدیریت سود هم داستان شوند. به علاوه چه‌بسا مدیریت ارشد برای افزایش احتمال همکاری با

شرکت و افزایش اعتبار و پاداش از این طریق، از اعمال مدیریت سود اجتناب ورزند. همچنین احتمالاً با تغییر هم‌زمان مدیریت ارشد، ریسک حسابرسی افزایش یافته و به تبع آن حسابرسان حدود رسیدگی را افزایش داده و شاهد مدیریت سود کمتری هستیم. به علاوه، عدم وجود منافع آتی در شرکت یا عدم وجود ترس از انتخاب نشدن مجدد، می‌تواند استقلال اعضای غیرموظف هیأت مدیره و کارایی آن‌ها را افزایش دهد.

عدم وجود شواهدی دال بر مدیریت سود افزایشنده و همچنین عدم وجود رابطه معنی دار بین تغییر مدیرعامل و مدیریت سود در سال پایانی حضور مدیرعامل، می‌تواند کاربردهایی برای سرمایه‌گذاران، حسابرسان و محققان داشته باشد. از کاربردهای این پژوهش کمک به استفاده کنندگان صورت‌های مالی و همچنین تحلیل‌گران و کارگزاران بورس می‌باشد تا بتوانند در بازه‌های تغییر مدیریت، حقیقت صورت‌های مالی را بهتر درک کنند. همچنین این موضوع برای سازمان بورس نیز مفید می‌باشد؛ چرا که این سازمان می‌تواند تصمیم‌گیری کند که آیا در بازه تغییر مدیرعامل باید دقت بیشتری بر کنترل صحت صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها داشته باشد یا خیر. همین‌طور حسابرسان در سال پایانی حضور مدیرعامل می‌توانند در مورد احتمال وجود مدیریت سود افزایشنده و انتخاب حدود رسیدگی تصمیم‌گیری بهتری داشته باشند.

در حوزه پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد، این پژوهش در مورد تغییرات معمول مدیریت چون بازنشستگی و فوت و تغییراتی چون استعفا و عدم رای مجمع و همچنین در بین شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی به صورت مقایسه‌ای انجام گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، تأثیر حقیقی بودن شخصیت مدیران و یا نماینده شخصیت حقوقی بودن آنان بررسی گردد. به علاوه پیشنهاد می‌گردد پژوهش حاضر در مورد مدیریت سود واقعی^۱ نیز انجام پذیرد.

1. Real activity manipulation

منابع

۱. اسدی، غلامحسین؛ منتی منجق تپه، وحید (۱۳۹۰)، "بررسی تأثیر تغییر مدیریت بر مدیریت سود"، چشم انداز مدیریت مالی و حسابداری، شماره ۱، ص ۹۷-۱۱۴.
۲. کردستانی، غلامرضا (۱۳۸۱)، "مدیریت سود"، ماهنامه بورس، شماره ۳۳، ص ۶۵-۵۷.
۳. مدرس، احمد؛ قفقازی، زهرا؛ شاکری، امیر (۱۳۸۸)، "بررسی انگیزه های مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مورد صنایع نفتی، شیمیایی و فلزی)"، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۴، ص ۷۸-۵۹.
۴. نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر؛ نیکبخت، محمدرضا (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲ (پیاپی ۴۴)، ص ۱۶۵-۱۷۷
5. Asbaugh, H., LaFond, R. and Mayhew, B. (2003), "Do non-audit services compromise audit independence? Further Evidence", **Accounting Review**, 78, 611-639.
6. Becker, C., DeFond, M., Jiambalvo, J. and Subramanyam, K. (1998), "The effect of audit quality on earnings management", **Contemporary Accounting Research**, 15, 1-24.
7. Beneish, M.,D. and Vargus, M.E. (2002), "Insider Trading, Earnings Quality and Accrual Mispricing", **The Accounting Review**, 77(4),755-791.
8. Brickley, J., Linck, J. and Coles, J. (1999), "Whal Happens to CEOs After ihey Reiire? New Evidence on Career Concerns, Horizon Problem.s. and CEO Incentives", **Journal of Financial Economics**, 52 (June) : 341-377.
9. Choi,J., Kwak, Y. and Choe, C. (2012), "Earnings Management Surrounding CEO Turnover: Evidence from Korea", MPRA Paper No. 40629, Online at <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/40629/>
10. Davidson, R., Goodwin-Stewart, J. and Kent,P. (2005), "Internal governance structures and earnings management", **Accounting and Finance**, 45, 241-267.
11. Dechow, P. M., and Sloan, R. G. (1991), "Executive incentives and the horizon problem: An empirical investigation", **Journal of Accounting and Economics**, 14, 51-89.

12. Frankel, R. M., Johnson, M. F. and Nelson, K. K. (2002), "The relation between auditors' fees for non-audit services and earnings management", **Accounting Review**, 77(Supplement), 71-105.
13. Geiger, M. A., and North, D. S. (2006), "Does hiring a new CFO change things? An investigation of changes in discretionary accruals", **Accounting Review**, 81, 781-809.
14. Gibbins, M., Richardson, A. and Waterhouse, J. (1990) "The Management of Corporate Financial Disclosure : Opportunism, Ritualism, Policies and Processes", **Journal of Accounting Research**, 28(1), 121-143.
15. Godfrey, J., Mather, P. and Ramsay, A. (2003), "Earnings and Impression Management in Financial Reports: The Case of CEO Changes", **Abacus**, 39(1), 95-123.
16. Guay, W.R., Kothari, S.P. and Watts, R.L. (1996), "A Market-Based Evaluation of Discretionary Accrual Models", **Journal of Accounting Research**, 34, 83-105.
17. Jones, S. and Sharma, R. (2001), "The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia Old and New Economics", **Journal of Managerial Finance**, 27, 18-39.
18. Kalyta, P. (2009), "Accounting Discretion, Horizon Problem, and CEO Retirement Benefits", **The Accounting Review**, Vol. 84, No. 5, pp. 1553-1573.
19. Kothari, S., Leone, A. and Wasley, C. (2005), "Performance matched discretionary accruals", **Journal of Accounting and Economics**, 39, 163-197.
20. Lang, M. and Lundholm, R. (1993), "Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosure", **Journal of accounting research**, 31(autumn): 246-271.
21. Lee, H.Y. and Mande, V. (2003), "The effect of the private securities litigation reform act of 1995 on accounting discretion of client managers of Big 6 and non-big 6 auditors Auditing", **A journal of practice and theory**, 22(1): 93- 108.
22. Mard, Y., and Marsat, S. (2009), "Accounting Policies Surrounding CEO changes in France", **www.ssrn.com**.
23. Menon, K., and Williams, D. (2003), "Former audit partners and abnormal accruals", **The Accounting Review**, 79, 1095-1118.

24. Moses, O.D. (1987), "Income smoothing and incentives: Empirical tests using accounting changes", **The Accounting Review**, (April):358-377.
25. Murphy, K. J., and Zimmerman, J. L. (1993), "Financial performance surrounding CEO turnover", **Journal of Accounting and Economics**, 16, 273-315.
26. Pourciau, S. (1993), "Earnings Management and Ntinroutine Executive Changes", **Journal of Accounting and Economics**, 16 (January-April-July): 317-333.
27. Reitenga, L. and Tearney,G. (2003), "Mandatory CEO Retirements, Discretionary Accruals, and Corporate Governance Mechanisms, **Journal of accounting auditing and finance**", ISSN 0148-558X, Vol. 18, pags. 255-280.
28. Romanus, R.N., Maher, J., and Fleming, J. (2008), "Auditor industry specialization, auditor changes, and accounting restatements", **Accounting Horizons**, Vol. 22, No.4, pp. 389-413.
29. Schipper, K. (1989), "Commentary on earnings management", **Accounting Horizon**, 3: 91-102.
30. Vancil, R.F. (1987), "Passing the Baton: Managing the Process of CEO Succession", **Harvard Business School Press**.
31. Wells, p. (2002), "Earnings management surrounding CEO changes", **Accounting and Finance**, 42 (2002) 169-193.
32. Wilson, M., and Wang L.W. (2009), "Earnings Management Following Chief Executive Officer Changes: The Effect of Contemporaneous Chairperson and Chief Financial Officer Appointments", **Accounting and Finance**, vol. 50, issue 2 , pp. 447-480.